

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۴ Scopus

صص ۲۲۷-۱۹۵

تحلیل جغرافیایی پیامدهای اجتماعی - اقتصادی جابجایی پایتخت در ایران

دکتر میرنجف موسوی* - دانشیار جغرافیای شهری، دانشگاه ارومیه
علی باقری کشکولی - دانشجوی دکتری جغرافیای شهری، دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۲۵

چکیده

شهرهای پایتختی نقش‌های بسیار مهمی در تمام کشورهای جهان ایفا می‌کنند. یکی از این نقش‌ها، نقش سیاسی-اداری است که اغلب با تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی همراه است. تمرکز گسترده انواع فعالیت‌ها در تهران به‌عنوان یکی از شهرهای پایتختی در سال‌های اخیر با پیامدهای اجتماعی-اقتصادی مثبت و منفی گسترده روبه‌رو بوده است و منجر به پدید آمدن طرح جابجایی کارکردهای پایتخت جهت کاهش این مشکلات شده است. هدف از این پژوهش تحلیل جغرافیایی پیامدهای اجتماعی-اقتصادی جابجایی کارکردهای پایتخت و مدیریت یکپارچه است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی، جامعه آماری کارشناسان مسائل اقتصادی و اجتماعی و حجم نمونه ۴۰ نفر بر مبنای نمونه‌گیری خوشه‌ای است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها اسنادی و همچنین مصاحبه و پرسشنامه است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل‌سازی معادلات ساختاری (LISREL) استفاده شده است. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری انتقال پایتخت نشان می‌دهد در صورت انتقال پایتخت، تمرکز اقتصادی به‌دلیل انباشت سرمایه در تهران، در مکان جدید تحقق پیدا نمی‌کند، همچنین روند رشد جمعیتی، بحران‌های زیست محیطی نیز تشدید خواهد شد. در مقابل، انتقال برخی از کارکردها تأثیرات مستقیم (۰/۷۳) و غیرمستقیم (۰/۴۰) زیادی بر روی ساماندهی شهر تهران دارد. به‌گونه‌ای که انتقال این کارکردها باعث کاهش تمرکز جمعیتی، ترافیکی، سرمایه و ... در تهران می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تحلیل جغرافیایی، انتقال پایتخت، تهران.

۱- مقدمه

خشکی کره زمین میان بیش از دویست واحد سیاسی - فضایی با وسعت و جمعیت کمابیش ناهمگون تقسیم شده است. کمتر کشوری وجود دارد که از منظر سرزمینی و فرهنگی همگون باشد از این رو، ناهمگونی جغرافیایی - فرهنگی بخشی از سرشت کشورهای امروزی است. نظام‌های سیاسی به مفهوم مدرن از زمان پیدایش تاکنون کوشیده‌اند که نیروهای همگرای علت وجودی واحد سیاسی - فضایی را تقویت و نیروهای واگرای آن را تضعیف کنند. نظام‌های سیاسی برای مدیریت سیاسی فضا در برخورد با این ناهمگونی به طیفی از فدرال تا یکپارچه تقسیم می‌شوند. نظام‌های سیاسی یکپارچه از همگونی بیشتری از منظر سرزمینی و فرهنگی برخوردار هستند. از این رو، کلیت کشور همگون تلقی می‌شود و مدیریت سیاسی فضا بر عهده حکومت مرکزی است. با این حال، همه حکومت‌های یکپارچه کمابیش با عناصر ناهمگون و به تبع نیروهای ناحیه‌گرا روبه‌رو هستند که گاه مقبولیت نظام سیاسی و گاه دولت را به چالش می‌کشند. عمده پژوهش‌های جغرافیای سیاسی در ایران در حوزه ادبیات تنوع فرهنگی کشور بر گرفته از واژه قومیت است که ادبیات آن در پیوند با جامعه‌شناسی و علوم سیاسی قرار دارد. مقاله حاضر با رویکردی جغرافیایی - سیاسی بر این فرض استوار است که مفاهیم ناحیه و ناحیه‌گرایی توان تبیین بالایی در بازنمایی پدیده تنوع فضایی - فرهنگی کشورها دارد و از چنین منظری به تشریح ادبیات ناحیه و ناحیه‌گرایی در نظام سیاسی یکپارچه پرداخته‌است.

پایتخت نقشی اساسی در زندگی ملت‌ها دارد و در اولین نگاه، آنها در نقش خودشان به‌عنوان مقر دولت به‌عنوان مرکز تجمع قدرت سیاسی و اقتصادی دولت عمل می‌کنند (Nobari & Rahimi, 2009: 5). همچنین در اغلب کشورها، شهرهای پایتختی، دارای بیشترین تعداد جمعیت و همچنین بزرگترین مراکز اقتصادی و فرهنگی (Ahmadipour and Gholizadeh, 2007: 7) محسوب می‌شوند، آنها تلاش می‌کنند منعکس کننده ویژگی‌های منحصر به فرد و آرمان‌های حکومت باشند و نقش مهمی در مشروعیت بخشیدن به دولت ایفا کنند (Rawat, 2005: 5). اغلب این شهرها، علاوه بر ایفای نقش سیاسی - اداری و مقر حکومتی، قطب‌های اقتصادی، اجتماعی و فعالیت‌های فرهنگی کشور نیز به‌شمار

می‌روند (Gilliland, 2013: 25). در اغلب کشورهای در حال توسعه، «روند تحولات روند صعودی تمرکز سیاسی - اداری و اقتصادی - اجتماعی در چنین شهرهایی، منجر به تمرکز شیوهایی شده است که در آن تصمیمات در زمینه کلیه امور عمومی (ملی و محلی) توسط مرکز سیاسی و اداری واحدی که معمولاً در پایتخت مملکت (مرکز) قرار دارد اتخاذ و به موقع اجرا گذاشته می‌شود. در این نظام، سلسله مراتب اداری از کوچکترین واحد سازمان محلی رعایت و از هر طرف به حکومت مرکزی منتهی می‌شود. از سوی دیگر تمرکز عوامل اداری - سیاسی خود منجر به تمرکز انواع فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و فرهنگی می‌شود و با توجه به تمرکز اجتماعی - اقتصادی، اغلب چنین شهرهایی مرکز انباشت سرمایه بوده و باقی سرزمین‌ها نواحی پیرامونی را تشکیل می‌دهند» (Rahmemaei & Pourmousavi, 2006: 183-184). بنابراین تمرکز همه امور در یک نقطه می‌تواند از زوایای مختلفی چنین کشورهایی را با چالش‌های عمده مواجه سازد. تجمع همه امور فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، تفریحی، دانشگاهی، پزشکی، و... در یک نقطه، منجر به گسترش روند مهاجرت‌ها، آسیب‌پذیر بودن امنیت کشورها، گسترش مسائل محیطی (انواع آلودگی‌ها، بحران کمبود آب) می‌شود (Zavari, 2014: 25). چنین تمرکزی از انواع مختلف فعالیت‌ها در تهران به‌عنوان نمونه‌ای از شهرهای پایتختی در سال‌های گذشته با ورود تکنولوژی مونتاژ، گسترش تجارت و راه‌اندازی بخش عظیم خدمات شهری، افزایش شدید جمعیت و مهاجرت به‌وجود آمده است. این موج بزرگ شهری، مشکلاتی چون نیاز به اشتغال و مسکن، آموزش و تفریح به‌همراه فقر، تورم، فاصله طبقاتی، ترافیک و غیره را با خود به‌همراه داشت. بسیاری از کارخانه‌ها و مراکز تولیدی و صنعتی در اطراف شهر تهران احداث شدند و بسیاری از شرکت‌ها و دواير بزرگ دولتی و خصوصی در این شهر متمرکز گردیدند. همچنین وجود انواع امکانات، تسهیلات رفاهی، بهداشتی و تفریحی در تهران نظیر پارک‌ها، سینماها، باشگاه‌ها، حوضه‌ها و انواع سرگرمی‌های فراغتی دیگر، سیل جمعیت را از مناطق مختلف کشور بدان سرازیر کرد و با گسترش و حجیم شدن بی‌رویه و بروز فاصله طبقاتی، کمربند فقر متشکل از مهاجرین و طبقات پایین دست جامعه در حومه‌ها و اطراف تهران به‌همراه برج‌ها و

مجموعه‌های مسکونی طبقات متوسط و بالا شکل گرفت که خدمات‌رسانی وسیعی لازم داشت و هر نوع سیاست‌ها و مدیریت شهری را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخت (Aghapour, 2013: 64). پیامدهای اجتماعی و اقتصادی چنین وضعیتی در تهران در سال‌های اخیر باعث گردید تا بحث انتقال پایتخت و حل مسائل تهران (مسائل ناشی از اندازه جمعیت و فعالیت از قبیل آلودگی هوا، ترافیک و ...) از یک‌سو و حفاظت از ارکان حکومت و امنیت ملی در برابر آسیب‌های وسیع ناشی از زلزله و سایر خطرات احتمالی از سوی دیگر به‌طور جدی مطرح شود (Ghamami, 1999: 47). با توجه به گسترش مسائل اجتماعی و زیست محیطی شهر تهران چهار گزینه برای محل جدید پایتخت مورد بررسی قرار گرفته است که شامل داخل محدوده کلان شهری تهران، داخل منطقه شهری سایر شهرهای میلیونی کشور، خارج از منطقه کلان شهری تهران اما در شعاع ۲۰۰ کیلومتری آن و در نهایت خارج از شعاع ۲۰۰ کیلومتری تهران انتخاب گردید. زمان انتقال پایتخت بین ۱۵ تا ۲۵ سال برآورد شد و میزان جمعیت آن در پایان دوره برنامه‌ریزی با سه فرض نیز برآورد گردید (Consulting Engineers, 1989: 58). بنابراین با اینکه انتقال پایتخت ۲۵ سال زمان و ۳۰ هزار میلیارد تومان هزینه نیاز دارد، آیا صرف هزینه مالی برای انتقال پایتخت چیزی جز اتلاف سرمایه ملی نیست؟ آیا بهتر نیست به‌جای انتقال پایتخت، به‌دنبال سازماندهی و تمرکززادگی از تهران از طریق خروج برخی دانشگاه‌ها، مراکز نظامی و مراکز صنعتی و یا به‌عبارتی جابجایی برخی از کارکردها از پایتخت باشیم؟ در این راستا هدف از این مقاله بررسی میزان تأثیرگذاری شاخص‌های انتقال پایتخت، انتقال کارکردهای پایتخت و مدیریت یکپارچه در تعدیل وضعیت اجتماعی و اقتصادی پایتخت است. در این راستا سوالات زیر مطرح می‌شود:

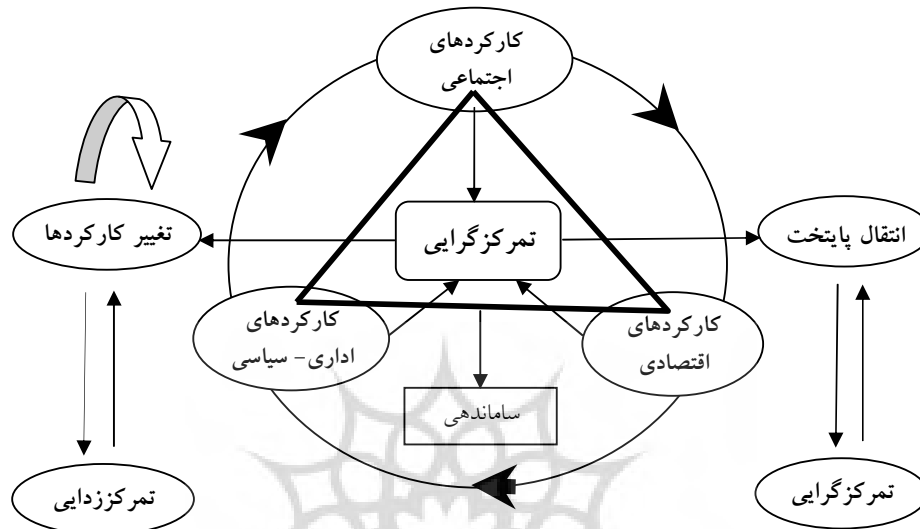
- ۱- در صورت انتقال پایتخت، مؤلفه‌های تأثیرگذار آن تا چه اندازه باعث تعدیل وضعیت اقتصادی- اجتماعی پایتخت می‌شود؟
- ۲- در صورت انتقال کارکردهای پایتخت، مؤلفه‌های تأثیرگذار آن تا چه اندازه باعث تعدیل وضعیت اقتصادی- اجتماعی پایتخت می‌شود؟
- ۳- در صورت مدیریت یکپارچه پایتخت، مؤلفه‌های تأثیرگذار آن تا چه اندازه باعث تعدیل

وضعیت اقتصادی - اجتماعی پایتخت می‌شود؟

۲- روش تحقیق

بر اساس مؤلفه‌های مورد بررسی، نوع تحقیق کاربردی و روش بررسی آن توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری کارشناسان و متخصصین دانشگاهی می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات بررسی اسناد و مدارک و همچنین پرسشنامه و مصاحبه است که به تعداد مشخص در بین کارشناسان و خبرگان توزیع شده است. شاخص‌های مورد بررسی کارکردهای اقتصادی، کارکردهای سیاسی و اداری، کارکردهای اجتماعی در قالب ۴۰ گویه است که با استفاده از نظرات کارشناسان و با توجه به هدف تحقیق که بررسی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی جابجایی پایتخت بوده است، جمع‌آوری شده است (نمودار شماره ۱). در تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت تحلیل جغرافیایی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تغییر پایتخت از مدل‌سازی معادلات ساختاری (تحلیل لیزرل) استفاده شده است. همچنین برای ارتباط بین متغیرها، آزمون‌های آمار استنباطی مانند ضریب همبستگی، رگرسیون چندمتغیره به کار برده شده است.

نمودار شماره ۱: بررسی روابط بین متغیرها و مؤلفه‌ها

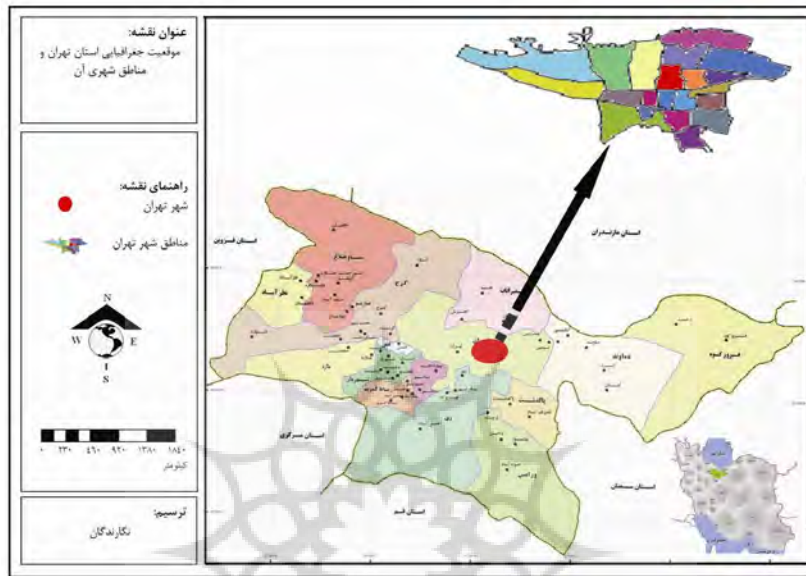


ترسیم: نگارندگان.

۱-۲- محدوده مورد مطالعه

تهران بزرگ‌ترین شهر و پایتخت ایران و مرکز استان تهران و شهرستان تهران است. جمعیت آن ۸,۲۴۴,۵۳۵ نفر است. مساحت این شهر ۷۳۰ کیلومتر مربع است. شهر تهران، در شمال کشور ایران و جنوب دامنه رشته کوه البرز واقع شده است. از دهه ۱۳۴۰ تهران مرکز جذب مهاجران زیادی از سرتاسر ایران بوده است. تراکم جمعیت در تهران بین ده هزار و هفتصد تا بیش از یازده هزار تن در هر کیلومتر مربع برآورد می‌شود که بنابر آمار، بیستمین شهر پرتراکم جهان است. شهر تهران در شمال ایران، در کوهپایه‌های جنوبی رشته کوه البرز در حد فاصل طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۲ دقیقه شرقی تا ۵۱ درجه و ۳۶ دقیقه شرقی، به طول تقریبی ۵۰ کیلومتر و عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۳۴ دقیقه شمالی تا ۳۵ درجه و ۵۰ دقیقه شمالی به عرض تقریبی ۳۰ کیلومتر گسترده شده است. ارتفاع شهر در بلندترین نقاط شمال به ۲۰۰۰ متر و در جنوبی‌ترین نقاط به ۱۰۵۰ متر از سطح دریا می‌رسد. ساختار اداری ایران در تهران متمرکز شده است. این شهر به ۲۲ منطقه، ۱۳۴ ناحیه و ۳۷۰ محله تقسیم شده است (مرکز آمار

ایران، ۱۳۹۰) (نقشه شماره ۱).



نقشه شماره ۱: موقعیت جغرافیایی استان، شهر و مناطق شهری تهران در کشور

۳- مبانی نظری تحقیق

از حدود دو قرن پیش وقتی شهرهای صنعتی رو به رشد نهادند و سیل مهاجرت به شهرها شکل گرفت و ارتباطات حمل و نقل به سوی مراکز فعالیت و صنعتی شکل گرفتند، اندیشمندان و نظریه پردازان بسیاری در مورد تعیین جایگاه و توسعه شهر و پیرامون آن به مطالعه و اظهار نظر پرداختند و بسیاری از این نظریه‌ها، ایدئولوژی‌ها و مکاتب شهرسازی - برنامه‌ریزی شهری - حمل و نقل و اقتصاد شهری را هدایت کردند (Razaghi et al, 2011: 75). یکی از علمی‌ترین ساخت سکونتگاه‌ها که در بیشتر موارد، برنامه‌های توسعه اجتماعی - اقتصادی کشورها و نواحی را تحت تأثیر قرار داده است، نظریه مکان مرکزی کریستالر است که در سال ۱۹۳۳ در کتاب خود به نام مکان‌های مرکزی در بخش جنوبی آلمان منتشر ساخت. این نظریه از آن زمان به بعد، اساس مطالعات شهری - ناحیه‌ای قرار

گرفت (Saraie & Esmailpour, 2012: 64). «الیوت و پری معتقدند زمانی که جامعه‌ای به مرحله پیشرفته فرایند کلان شهری شدن می‌رسد، تحولات نظام اسکان را در آن از دو طریق می‌توان ردیابی کرد: نخست، مسیری که در آن جمعیت به‌طور متوالی در نواحی کلان شهری متمرکز شده و منطق با الگوهای سنتی تجمعات شهری است؛ و دوم وضعیتی که پراکندگی جمعیت کلان شهری در مراکز متعدد و کوچک‌تری در پهنه سرزمین اتفاق می‌افتد. با توجه به موضوع ظهور مناطق کلانشهری، حالت نخستین دارای اهمیت بیشتری است و می‌توان آن را به‌عنوان فرضیه تمرکز بررسی کرد که خاستگاه آن نظریه سنتی مکان مرکزی کریستالر است، چنین فرض می‌شود که توسعه کلانشهری با تمرکز جمعیت در هسته‌ای شهری آغاز می‌شود و به نواحی پیرامونی گسترش می‌یابد. در این فرایند تمرکز جمعیت، چنین فرض شده است که به‌علت وجود مزایا و صرفه‌های ناشی از تجمع، بازرگانی و سوداگری در مرکز رونق می‌یابد و فرصت‌های اشتغال بیشتر و دسترسی آسانتر به کالاها و خدمات متنوعتر برای جمعیت فراهم می‌شود. با پیشرفت در فناوری و تنوع تقسیم کار و همچنین کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل و کمرنگ شدن صرفه‌های ناشی از تجمع، جمعیت و فعالیت در نواحی پیرامونی کلان شهر گسترش می‌یابد و این خود به یکپارچگی اقتصادی اجتماعی هسته‌های جمعیتی پیرامون با شهر اصلی منجر می‌شود. حال، ظهور شهرها در دوره‌های زمانی مختلف و تجربیات تمرکز و گسترش متفاوت، منجر به شکل‌گیری سلسله مراتب شهری و ظهور پدیده نخست شهری خواهد شد (Zebardast & Hajepour, 2009: 109-110). طی این روند معمولاً "بزرگترین شهرها، سریع‌ترین نرخ‌های رشد را پیدا می‌کنند که این امر موجب بروز و ظهور تسلط جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک شهر بر تمامی شهرهای دیگر در داخل نظام شهری یک کشور یا منطقه می‌گردد (Taghvaei & Mousavi, 2011: 26). در ادبیات جغرافیایی، مارک جفرسن از آن به‌عنوان پدیده نخست شهری نام می‌برد (Hekmatnia & Mousavi, 2013: 197). که شهر اول نسبت به شهرهای دیگر کشور برتری و تسلط خاصی پیدا می‌کند و موجب تمرکز جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی و نهادهای اجتماعی و سیاسی در آن

شهر می‌گردد (Bairoch, 1968: 61). البته نخست شهری زمانی فاجعه‌آمیز خواهد بود که در کشوری با ساختارهای ساده اقتصادی - اجتماعی، امکانات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در یک نقطه شهری متمرکز شوند. در این صورت، چنین نقطه‌ای به شکل غیرقابل تحملی بر شبکه شهری سنگینی می‌کند و موانع زیادی را در توسعه ناحیه‌ای کشور به وجود می‌آورد (Inalou, 2011: 27). می‌توان گفت نخست شهر معمولاً در کشورهای در حال توسعه یک شهر پایتختی است که بهترین تسهیلات، نادرترین کالاها و قابلترین استعدادهای ماهرترین کارکنان در آنجا استقرار یافته‌اند و این شهرها بویژه در کشورهای جهان سوم بیش از حد بزرگ است و علاوه بر تبعیض سیاسی موجب تبعیضات اقتصادی، اجتماعی نیز می‌شود (Nazmfar & Khodaei, 2012: 23). از همین رو بی. اف. هوزلیتز، در نظریه‌ای از این شهرها به‌عنوان شهرهای انگلی یاد می‌کند. او معتقد است شهر انگلی بر کلیه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک منطقه تسلط کامل داشته و در نقاط مختلف آن تأثیر منفی می‌گذارد و سبب به هم خوردن تعادل توزیع فضایی ناحیه و سلسله مراتب شهری می‌گردد (Ziyari & Mousavi, 2005: 166). با افزایش شکاف توسعه بین نواحی، عدالت اجتماعی - اقتصادی مفهوم خود را از دست داده است. نابرابری و نبود تعادل در توزیع بهینه امکانات در اثر سیاست‌های غیر اصولی گذشته در مکان‌یابی‌های صنعتی و خدماتی و روند تمرکزگرایی در شهرهای نخست و پایتختی و عدم تعادل فضایی بین سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی یکی از مسایل مهمی بوده که در اثر عوامل گوناگون، تحت تأثیر ساز و کارهای حاکم بر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پدید آمده است. این ناهنجاری و عدم تعادل با افزایش نقش دولت در اقتصاد با توجه به ماهیت تمرکزگرایی و بخش‌گرایی آن افزوده شده و این امر از مشارکت مردم کاسته و نواحی بزرگ و کوچک در یک کلیت یکپارچه دیده نشده، نتیجه آن عدم توزیع بهینه امکانات و خدمات، رفاه و ثروت و از بین رفتن عدالت اقتصادی و اجتماعی بوده است (Nastaran et al, 2010: 158).

۳-۱- تمرکز کارکردهای سیاسی، اقتصادی در تهران به عنوان یک قطب رشد برتر

تهران با بیش از دو قرن سابقه مرکزیت اداری - سیاسی کشور و بیش از نیم قرن سابقه به حالت کلان شهر بزرگ کشور به عنوان قطب رشد برتر تفوق و برتری خود را در زمینه‌های مختلف حفظ کرده است. تمرکز اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، اداری و خدماتی در تهران زمینه اشتغال وسیعی فراهم کرده و همزمان با آن، رکود نسبی فعالیت‌ها در نقاط دیگر کشور و برخورداری بیش از پیش تهران از امکانات بهتر خدماتی به این توسعه شتابی خاص بخشیده است. در تهران بزرگ سودهای کلان اقتصادی به سبب تمرکز تولید، با شرایط خاص مادر شهر جهان سوم به دست می‌آید. در این شهر برگشت سرمایه با سودهای کلان امکان‌پذیر است و در نتیجه بیشترین سرمایه به سوی تهران سرازیر می‌شود. حاکمیت این جریان، سیر عقب‌ماندگی سایر نواحی جغرافیایی ایران را موجب شده است و از این رو، یک شهر انگلی محسوب می‌شود. ایران از نظر اداری تمرکز گراترین کشور دنیاست. تمرکزگرایی آثار سوء اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی داشته و موجب تمرکز جمعیت در نواحی خاصی از کشور شده است و از پراکندگی توزیع بهینه منابع و امکانات در پهنه کشور جلوگیری کرده است (Mousavi, 2003: 147-149). چنین شهرهایی از نظر اقتصادی، اجتماعی و فعالیت‌های سیاسی بر یک حوزه تسلط کامل داشته و در نقاط مختلف آن تأثیر منفی بر جای می‌گذارد (Asiyabi, 2008: 395). در نتیجه ادامه تسلط شهرهای مسلط، الگوی نامتوازن و نامتعادل توزیع فضایی جمعیت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اداری به روشنی مطرح می‌شود. این الگو باعث می‌شود که خلأ جمعیتی و کارکردی در سطح میانی و پایین کانون‌های شهری به وجود آید، که این امر نیز از عوامل مؤثر در بروز عدم تعادل در نظام سلسله مراتب شهری و گسترش عدم تعادل‌های ناحیه‌ای است (Ahmadi et al, 2013: 32). در دنیای واقعی، بویژه در کشورهای در حال توسعه، سیاست‌های حمایتی دولت‌ها از یک یا چند شهر بزرگ سیاسی و معمولاً شهر پایتخت، سبب تمرکز بیش از حد می‌شود. گسترش سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی در این شهرها، موجب جذابیت استقرار در آنها شده و سبب جذب بنگاه‌ها و افراد زیادی به آنها می‌شود که

نهایتاً به انباشت سرمایه منجر می‌گردد (Farahmand et al, 2009: 121). در واقع با انباشت سرمایه، شیوه تولید خاص سرمایه‌داری و انباشت سرمایه رشد می‌کند. شهر تهران از طریق تمرکز جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و تولید اضافی گسترش پیدا کرده است. در این رابطه، نخستین مؤلفه‌ای که به تمرکز جغرافیایی سرمایه کمک می‌کند، صرفه‌جویی‌های مقیاس (صرفه‌جویی داخلی بنگاه‌ها) و صرفه‌جویی‌های تجمع (صرفه‌جویی خارجی بنگاه‌ها) است. در صرفه‌جویی داخلی، بنگاه‌ها با افزایش مقیاس تولید یعنی افزایش سرمایه ثابت، امکان سودمندی تولید و کارآمدی سرمایه را افزایش می‌دهند. در صرفه‌جویی‌های تجمع، بنگاه‌ها از مواهب همجواری با دیگر بنگاه‌هایی که با آنها به‌گونه‌ای بده بستان اقتصادی دارند، سود بیشتری نصیب بنگاه خود کنند. علاوه بر این «جریان‌ها و سازوکارهای مرتبط با سرمایه‌داری پیرامونی و ساختار سیاسی - اقتصادی کشور در سده حاضر، زمینه رشد نخست شهری تهران و افزایش جمعیت و تراکم مراکز کار و فعالیت در این شهر را فراهم آورده است. با انباشت سرمایه به نفع تهران و نهادها و اقشار قدرتمند این شهر، لایه‌های گوناگونی از نخبگان، اقشار متوسط، کارگری و فرودست تمرکز یافته‌اند. مجموعه شهری تهران در حدود ۲۰ درصد از جمعیت کشور را در خود جای داده است. به‌علاوه، تهران در تولید ارزش افزوده در رشته فعالیت‌های اقتصادی کشور (به استثنای کشاورزی، ماهیگیری و معدن) بیشترین سهم را دارد. نابرابری در دسترسی به مواهب ارزش افزوده ایجاد شده، علاوه بر آنکه سبب تعمیق نابرابری و شکاف اقتصادی - اجتماعی بین مجموعه شهری تهران و سایر مناطق کشور شده، نقش زیادی در افزایش نابرابری‌ها در درون شهر تهران و مجموعه شهری آن داشته است (Karami, 2011: 48). بدین ترتیب نظام فضای ملی و توزیع اندازه شهرها طی فرآیند رشد و توسعه اقتصادی، در اثر پویای اقتصادی و جریان‌های جابجایی سرمایه و نیروی کار و همچنین متأثر از تنش‌های سیاسی بین مرکز و پیرامون دستخوش تحولاتی می‌گردد که پیامد آن گسترش و تسلط شهرها و قطب‌های برتر در نظام شهری است که منجر به تمرکز کارکردهای اقتصادی، اجتماعی، اداری و سیاسی در آنها می‌شود (Sharbatoghli & Javanmard, 2011: 95). بنابراین، همواره نا هماهنگی توسعه مناطق و نابرابری‌های

ناحیه‌ای موجود در اثر مکانیسم‌های حاکم بر ساختار اقتصادی - اجتماعی و سیاسی کشور و نیز شهرنشینی شتابان و ناهماهنگی توسعه شهرهای بزرگ و کوچک در اثر تمرکز فعالیت‌های اقتصادی و تسهیلات خدماتی در شهر تهران موجب جدایی کامل و خلاء کارکردی آشکار شهرهای دیگر نظام شهری از این شهر شده است (Taghvaei & Mousavi, 2011: 32-42). به‌منظور درک اینکه به‌طور مؤثر، چه چیزی منجر به رشد بیش از اندازه شهر تهران می‌شود و چگونه کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و اداری - سیاسی و رشد شهرنشینی و افزایش تراکم جمعیتی با یکدیگر تعامل دارند به بررسی روش پویایی سیستم^۱ که توسط جی فورستر ابداع شد با استفاده از حلقه‌های علت و معلولی برای نشان دادن مسائل ملی و منطقه‌ای رایج در نخست شهر تهران پرداخته می‌شود (Forrester, 1961: 217). روش پویایی سیستم با درک سیستمی از نیروها که ایجاد شده و در ادامه به تداوم یک مسئله کمک می‌کند، شروع می‌شود. بر اساس این مدل در شرایط فعلی و با به‌وجود آمدن مباحث انتقال پایتخت، شهر تهران در حال حاضر بزرگترین حلقه (نخست شهر مطلق) در نظام شهری است. هر شهر کوچکتر دیگری به‌عنوان یک حلقه کوچک به یک سر حلقه بزرگتر متصل است. در سمت چپ نمودار شماره ۲ عواملی که از طریق آن تهران را به این موقعیت در نظام شهری کشور به‌عنوان شهر برتر و مسلط درآورده است، نتیجه طبیعی تمرکز کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی - اداری است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

به دنبال خواهد داشت و هرگز این منطقه به عنوان یک پایتخت جدید موفق نخواهد بود.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- تحولات اقتصادی و اجتماعی تهران

رابطه مرکز- پیرامونی که در اصل بر مبنای نظریه قطب‌های رشد صنعتی- خدماتی پی‌ریزی شده بود، امروزه با همان ماهیت اما با موتور بخش اقتصادی به رشد خود ادامه می‌دهد (Palizban and et al, 2013: 22). در این رابطه، تهران به عنوان مرکز و شهر اصلی و کانون اتخاذ تمام تصمیمات و سیاست‌های کلان و خرد کشور در زمینه‌های مختلف اداری، سیاسی-اقتصادی و اجتماعی بوده است. این تمرکز سیاسی سبب تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و... شده و باعث ایجاد فرصت‌های شغلی متنوع و متعدد گردیده است. به گونه‌ای که وجود فرصت‌های شغلی زیاد، جمعیت زیادی را از سراسر کشور جذب کرده است. بنابراین تهران بزرگترین محل تمرکز کلیه اشکال فعالیت اقتصادی کشور شده است (Rezaei & Pourahmad, 2009: 49).

استان تهران، با جمعیتی بالغ بر ۱۲۱۴۷۵۴۳ نفر، بزرگ‌ترین استان ایران از نظر بازار مصرفی بوده و نیز با وجود تمامی امکانات بازاری و بازاریابی قلب تجاری ایران به شمار می‌آید. این استان ۲۰ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده است و با ۳۰ درصد صنایع، ۳۶ درصد از کارخانجات بزرگ، ۴۰ درصد بازار مصرف کل کشور، ۴۰ درصد صنایع غذایی، ۴۰ درصد تعاونی‌های سراسر کشور، ۴۴ درصد از تولید گل و گیاه و ۳۱ درصد تولید گوشت قرمز، در مجموع با قدرت اقتصادی کل کشور قابلیت‌های ویژه‌ای در بخش اقتصادی و صنایع به خود اختصاص داده است (International Forum of Nanotechnology Economy, 2014: 45).

بررسی جایگاه استان تهران در کشور در سال ۱۳۹۰ حاکی از تمرکز شدید فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. استان تهران از نظر مساحت ۰/۸ درصد از مساحت کشور را دارد در حالی که از نظر جمعیت ۱۶/۲ درصد از جمعیت کشور را داراست، ۲۷/۲ درصد از

تولید ناخالص داخلی کشور، ۳۴/۳ درصد از اعضاء هیأت علمی کشور، ۲۵ درصد ارزش افزوده بخش صنعت، ۳۱ درصد ارزش افزوده بخش حمل و نقل را استان تهران به خود اختصاص داده است (Statistical Center of Iran, 2011: 14-27). این امکانات باعث می‌شود که شهر تهران از نظر اقتصادی، سیاسی و اداری تقریباً تمام کشور را تحت تأثیر قرار دهد. به عبارت دیگر حوزه نفوذ کلانشهر تهران از نظر اقتصادی، سیاسی و اداری شامل کل کشور است. تمام تصمیمات کلان اقتصادی، سیاسی و اداری در شهر تهران اتخاذ می‌شود و به صورت بخشنامه، آیین‌نامه و... به مراکز استان‌ها، شهرستان‌ها و... ابلاغ می‌شود. استان تهران به دلیل تراکم فعالیت‌های اقتصادی و نیز سرمایه‌ها، از نظر تولید ناخالص داخلی دارای رتبه یکم است در حالی که استان خراسان جنوبی از نظر تولید ناخالص داخلی دارای رتبه بیست و هشتم است (Rezaei, 2007: 43).

استان تهران با ۲۵ درصد، بیشترین سهم از ارزش افزوده بخش صنعت کشور را داشته است. استان اصفهان با ۱۶ درصد و خوزستان با ۱۲ درصد پس از استان تهران جای گرفته‌اند. این سه استان ۵۳ درصد ارزش افزوده بخش صنعت کشور را تولید کرده‌اند (Ministry of Industry, Mine and Trade in Tehran, 2011: 137).

جدول شماره ۱: وضعیت جمعیتی، اقتصادی و بازرگانی استان تهران

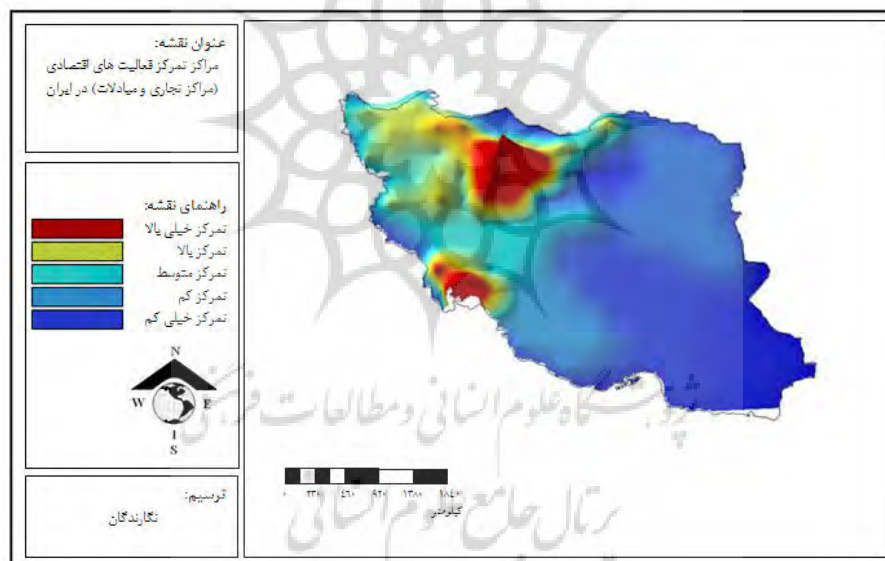
تعداد شهرستان	۱۴	تعداد شهر	۴۴	جمعیت کل	۱۲۵۰۵۰۰۰
جمعیت شهری	۱۱۴۱۷۰۶۵	جمعیت فعال	۴۱۶۸۰۰۰		
اشتغال در بخش کشاورزی	۳/۱ درصد	اشتغال در بخش صنعت	۳۴/۶ درصد	اشتغال در بخش خدمات	۶۲/۳ درصد
طول راه‌های درون شهری و برون شهری	۹۱۴۶ کیلومتر مربع	تعداد کشتارگاه	۲۱	ظرفیت	۶۶۰۰۰ قطعه در ساعت
تعداد فروشگاه‌های بزرگ	۲۱	تعداد فروشگاه‌های زنجیره ای	۳۹۱	تعداد سردخانه عمومی	۳۲
ظرفیت انبارهای عمومی	۶۵۰۳۰۰۰ تن	ظرفیت سیلوها	۴۲۰۰۰۰ تن	مساحت میدین و بازهای میوه	۳۲۴۲۴۰ مترمربع
تعداد مجامع امور صنفی	۱۶	تعداد اتحادیه‌های تولیدی و خدمات فنی	۱۹۷	تعداد اتحادیه‌های توزیعی و خدماتی	۲۲۶

Source: Ministry of Industry, Mine and Trade in Tehran, 2011: 108-152

نتایج حاصل از جدول شماره ۱ نشان می‌دهد بازارهای بزرگ و تولیدی‌ها و کارخانه‌ها به‌همراه تقسیم شدن بودجه کشور در تهران باعث شده است که جایگاه مجلس و دولت و نقش آنها در بودجه‌پردازی و تقسیم آن در کشور، تهران را در مرکز تقسیم ثروت قرار دهد. قدرت اقتصادی و مالی نیز همچون قدرت سیاسی در تهران متمرکز شده است؛ تمرکز شبکه‌های بزرگ بانکی مادر، پول و ارز و عملیات مربوط به آنها، بیمه، بازار، کمپانی‌ها، دفترهای شرکت‌ها و کارخانجات کشور و تجار بزرگ ملی و بین‌المللی در تهران سبب شده است رهبری اقتصاد ملی در تهران متمرکز شود و تمرکز اقتصادی و پولی با تمرکز سیاسی-اداری و تمرکز جمعیتی و خدمات اجتماعی هم‌نوا و همراه گردد (Ministry of Industry, Mine and Trade in Tehran, 2011: 143). بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۹۰ استان تهران با ۱۷/۷ درصد بیشترین سهم را در بین استان‌های کشور به‌لحاظ مهاجران وارد شده به‌خود اختصاص داده است. نتایج نشان می‌دهد که از مهاجرانی که به شهر تهران آمده‌اند، بیشترین مهاجران در مناطق ۴، ۵ و ۱۵ و کمترین مهاجران در مناطق ۲۲، ۲۱ و ۹ ساکن شده‌اند. در مجموع منطقه ۴ به‌عنوان مهاجرپذیرترین منطقه، ۱۰۸ هزار و ۹۴۶ نفر و در منطقه ۲۲ به‌عنوان

آخرین منطقه مهاجرپذیر ۱۷ هزار و ۸۳۸ نفر مهاجر ساکن شده‌اند. به‌طور تقریبی ۲۰ درصد از مهاجران برای یافتن کار اولیه و یا کاری بهتر، ۱۱ درصد از مهاجران برنامه‌ریزی تحصیل و یا پایان تحصیل شان، ۷ درصد به‌علت انتقال شغلی، ۴ درصد به‌خاطر انجام خدمت وظیفه و یا اتمام آن و ۴۲ درصد از ایشان به پیروی از خانواده‌هایشان مجبور و یا داوطلب اقامت در این شهر شده‌اند. تراکم و تنوع اجتماعی و چگونگی این افزایش مهاجرت که در دوره‌ای کوتاه مدت گرفته است، خود منجر به ایجاد سایر مشکلات از جمله افزایش جرم، جنایت و سایر مسائل اجتماعی، زیست محیطی اقتصادی مربوطه می‌شود. پس اولین مشکل تهران جمعیت و تراکم زیاد آن است (Centre for Social and Cultural Studies in Tehran, 2014: 95).

نقشه شماره ۲: مراکز تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در کشور



منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

این شرایط تمرکز فعالیت‌های اقتصادی (تولید ناخالص داخلی تهران در سال ۹۰ برابر با ۱۴۴ هزار میلیارد تومان بوده است این در حالی است که در همان سال تولید ناخالص داخلی کل کشور رقمی در حدود ۶۲۳ هزار میلیارد تومان بوده است. که نشانگر آن است که رقمی در

حدود ۲۳ درصد تولید ناخالص کشور در تهران تولید می‌شود. براساس داده‌های مرکز آمار ایران در سال ۹۰ سرانه تولید ناخالص داخلی کشور رقمی برابر ۸۲۸۴۳ هزار ریال و همین رقم برای تهران ۱۱۷۹۰۱ هزار ریال بوده است. که نشان‌دهنده آن است که تولید سرانه تهران ۱.۴ برابر کل کشور است (Statistical Center of Iran, 2011: 51) (نقشه شماره ۲) و نقش آن در شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی (افزایش شدید مهاجرت‌ها به تهران، اسکان غیررسمی، ناهنجاری‌های اجتماعی چون افزایش کارتون خواب‌ها، افزایش فقر، جرم و جنایت، بیکاری) که زائیده تمرکزهای گسترده فعالیت‌های اقتصادی در این شهر به‌عنوان هدف اصلی مهاجرین جویای کار است باعث گردیده تا در کنار بحران‌های زیست محیطی و ژئوفیزیکی تهران، دلایل مهمی برای جابجایی پایتخت جهت ساماندهی وضعیت موجود تهران باشند. از طرف دیگر اگر شهری جدید ساخته بشود و پایتخت به آنجا منتقل بشود با مشکل بی‌هویتی شهر مواجه خواهیم شد (اگر در این پایتخت جدید اول از همه به فکر برج‌ها و طرح‌های تخیلی برای تجارتخانه‌ها و مراکز خرید باشیم؟ اگر به فکر حقوق ماشین‌ها و قطارها و آزادی ترددشان باشیم و از نگهداشتن حرمت انسان در باغ و بازار و مسجد و مدرسه و دانشگاه اسلامی- ایرانی غافل شویم؟ اگر صرفاً به دنبال ساخت خوابگاهی باشیم که وزارتخانه‌ها و کاخ‌های دولتی آن چشم‌ها را خیره کند و از ساختن شهری که با محله‌هایی متفاوت و متنوع که مردمش حق زندگی و تنفس در هوایی فرهنگی را داشته باشند، غافل شویم)؛ در این صورت ما در پایتخت جدید با شهر ژئریکی مواجه خواهیم شد که نه تنها در وجه سابقه تاریخی و بافت شهری خود دچار مشکلات عدیده‌ای خواهد شد بلکه ساکنان آن از نظر شخصیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی نیز دچار مشکل خواهند شد. پیش‌بینی می‌شود تغییر پایتخت باعث مهاجرت افراد و اقوام و گروه‌های مختلف به پایتخت جدید می‌شود (تجربه روند رشد جمعیت در تهران بعد از انتخاب شدن به‌عنوان پایتخت بیانگر روند رشد سریع جمعیت از مناطق پیرامونی به پایتخت جدید در آینده خواهد بود (Statistical Center of Iran, 1956-2011: 1-60) و این خود حرکت رشد پایتخت جدید را از گسترش افقی به سمت رشد عمودی پیش می‌برد و آسمان خراش‌ها که که ظاهراً نمونه کامل این نوع گسترش

خواهند بود همه چیزهای دیگر را می‌بلعد و در همه جا احتمالاً می‌تواند به وجود آید. اگر پایتخت به شهر جدیدی منتقل شود به نوعی می‌توان به مرگ قطعی برنامه‌ریزی در آن شهر اذعان کرد به طوری که با شروع ساخت و سازهای گسترده قانونی و گاهاً غیرقانونی در شهر جدید، شهر به صورت بی‌قواره‌ای رشد خواهد کرد و مسائلی چون افزایش ساخت و سازهای غیرقانونی (تخلفات ساختمانی)، عدم وجود شغل کافی، نارسایی در تأمین مسکن مناسب، کمبود مراکز خدمات آموزشی نیز به صورت گسترده‌ای به وجود خواهد آمد. البته درست است که وضعیت و رشد شهر جدید افزایش پیدا می‌کند، اما در بلندمدت، گسترش بخش اقتصاد غیررسمی، مهاجرت افراد جویای کار، موجب گسترش بخش غیررسمی در شهر خواهد شد. شهر بدون شالوده رسمی اقتصادی رشد می‌کند و میزان خلاقیت و خشونت افزایش می‌یابد. بویژه اگر جهت جابجایی پایتخت، شهر جدیدی ساخته شود و یا به شهرهای جدید ساخته شده منتقل شود، پایتخت جدید با مشکل بی‌هویتی و خالی بودن شهر از معنا مواجه خواهد شد که که انسان‌های ساکن در آن احساس امنیت ذهنی و روحی نخواهند داشت (Nemati, 2013: 68).

۲-۴- تجربه کشورهای جهان در زمینه انتقال پایتخت

کشورهای برزیل، پاکستان، ترکیه، سوئیس، آلمان و استرالیا تجربه انتقال پایتخت دارند. بعضی کارشناسان طرح‌های انتقال پایتخت در کشورهای سوئیس (برن)، آلمان (بن) و استرالیا (کانبرا) را موفق و مطلوب می‌دانند. این کشورها صنعتی و پیشرفته هستند و با ایران قابل قیاس نیستند. پایتخت پاکستان شهر اسلام آباد است. این شهر در ۱۴ کیلومتری شمال شرقی راولپندی در شمال پاکستان قرار دارد. این شهر در اکتبر ۱۹۵۹ به جای کراچی به عنوان پایتخت جدید پاکستان انتخاب شد. تمامی ساختمان‌های اصلی دولت در این شهر قرار دارد. بنای این شهر از ۱۹۶۱ شروع شد و قبل از تکمیل نهایی آن پایتخت موقتاً راولپندی، مرکز ستادهای ارتش، منتقل شد. جمعیت اسلام آباد در سال ۱۹۸۱ حدود ۲۰۴ هزار نفر و در سال ۱۹۹۵ به ۳۸۰ هزار نفر رسید. این شهر کم جمعیت و خوش آب و هوا محل اجتماع وزارتخانه‌ها،

سفارتخانه‌ها و مرکز دیپلمات نشین است. جمعیت کراچی (پایتخت قبلی) از حدود ۴ میلیون نفر در سال ۱۹۷۵ به حدود ۱۰ میلیون نفر در سال ۱۹۹۵ رسیده است. جمعیت لاهور نیز طی این مدت از ۲/۴ به ۵ میلیون نفر رسیده است. ملاحظه می‌شود انتقال پایتخت مانع از رشد سریع جمعیت کراچی نشد (Institute for Political and International Studies of the Ministry of Foreign Affairs, 1996: 67). ترکیه نیز پایتخت خود را از بندر مهم و پر جمعیت استانبول به آنکارا منتقل نمود. جمعیت آنکارا از ۱/۷ میلیون نفر به ۷/۸ میلیون نفر افزایش یافته است. ملاحظه می‌شود جمعیت استانبول ظرف ۲۰ سال حدود ۲/۴ میلیون نفر افزایش یافته است در حالی که دیگر پایتخت نبوده است. در کشور برزیل نیز شهرهای ریودوژانیرو با حدود ۱۰ میلیون نفر و سائوپولو با ۴/۱۶ میلیون نفر طبق آمار سال ۱۹۹۵ وضعیت مشابهی داشته‌اند. جمعیت برازیلیا طبق برنامه ۵۰۰ هزار نفر بوده اما گسترش حاشیه‌نشینی اطراف پایتخت موجب افزایش جمعیت نسبت به برنامه شده است.

۳-۴- جایگاه و نقش تهران در ایجاد تعادل و عدم تعادل‌های منطقه‌ای

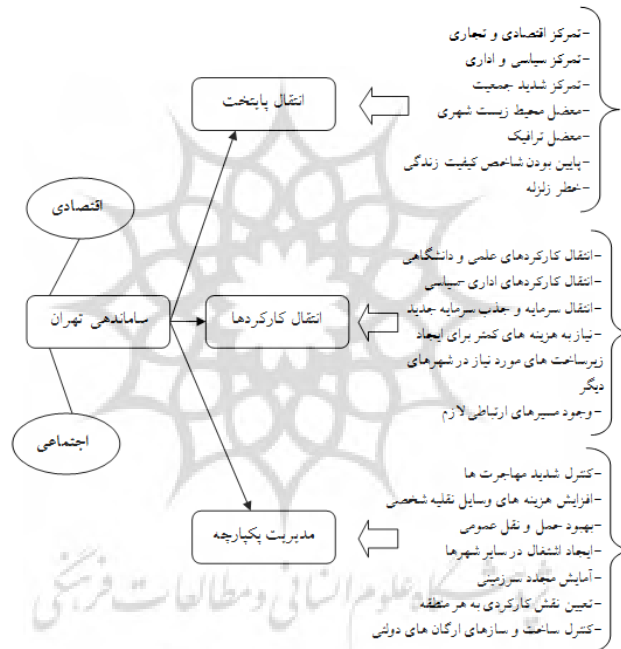
وجود نابرابری و عدم تعادل فضایی در مناطق مختلف یک شهر به هیچ وجه پدیده‌ای جدید در هیچ یک از شهرهای جهان نیست، اما در کشورهای در حال توسعه به دلیل فاحش بودن تفاوت‌های اجتماعی - اقتصادی و نابرابری و عدم تعادل در خدمات و امکانات، تفاوت فضایی شهرها تشدید شده است (Zakerian et al, 2010: 62). در اغلب کشورهای، پایتخت مکان اصلی تمرکز صنعت و سرمایه بوده و باقی سرزمین، نواحی حاشیه‌ای یا پیرامونی را تشکیل می‌دهد. مراکز معمولاً سهم عمده جمعیت، صنایع، خدمات، گره گاه‌های اصلی شبکه حمل و نقل و مقرر حکومتی را در اختیار دارند. این مسئله ضمن اینکه تعادل و جهات ملی را به خطر می‌اندازد، دست‌اندازی به نواحی پیرامونی کلان شهرها را نیز موجب گشته و پیدایش مجموعه‌هایی از شهر مرکزی، شهرها و شهرک‌ها و کوی‌های پیرامونی را نیز فراهم می‌آورد. در پی این شرایط، اثر مکنده مرکز ثقل، امکانات بخش‌های پیرامونی سرزمینی و فضاهای اطراف را به‌خود جذب نموده و پیرامون را از مجموعه قابلیت‌هایی که بستری برای رشد اقتصادی

تلقی می‌شوند، محروم می‌سازد (Nazarian, 2009: 197). مطالعات نابرابری‌های منطقه‌ای میان مناطق مرکزی و پیرامونی ایران نشان می‌دهد استان تهران به‌عنوان توسعه‌یافته‌ترین استان می‌باشند. شکاف توسعه بین استان تهران و سایر استان‌ها بسیار زیاد بوده است که بیانگر بالا بودن نابرابری‌های منطقه‌ای در ساختار فضایی ایران است. دلیل اصلی نابرابری‌های منطقه‌ای و درون منطقه‌ای در ایران تمرکز اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و اداری در تهران است که زمینه اشتغال وسیعی را فراهم نموده و موجب گردیده امکانات و منابع و پتانسیل‌های انسانی به‌سوی تهران سرازیر گردند. البته حاکمیت این جریان موجب توسعه‌نیافتگی و عدم رشد استان‌های دیگر شده است و به نابرابری‌های عمیق منطقه‌ای و درون منطقه‌ای دامن زده است (Ebrahimzade et al., 2012: 224-225). نابرابری‌های درون منطقه‌ای در مناطق مرکزی بسیار چشمگیر است. دلیل اصلی آن وجود استان تهران است که به‌لحاظ شاخص‌های توسعه، فاصله بسیار زیادی با استان‌های مناطق مرکزی و پیرامونی دارد. که با حذف تهران نابرابری‌های درون منطقه‌ای مناطق مرکزی تا حدود زیادی کاهش می‌یابد و تجانس و همگرایی نسبی بر مناطق مرکزی حاکم می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت توسعه و گسترش امکانات و منابع در مناطق پیرامونی کشور می‌تواند نقش اساسی در ساماندهی تهران به‌عنوان پایتخت و قطب اصلی رشد داشته باشد و هم می‌تواند آهنگ توسعه را در سطح ملی تسریع کند. تمرکززدایی از تهران و ایجاد توزان در شهرها با کنترل مهاجرت‌ها و همچنین امکان اشتغال و ایجاد درآمد در سایر شهرهای کشور، توزیع مناسب بهداشت و درمان، ترویج آموزش عالی در تمام ایران یا آموزش غیر حضوری عوامل مهمی هستند که می‌توانند به این امر کمک کنند. آنچه شهرهای بزرگ را به‌شدت مهاجرپذیر کرده عدم اشتغال و بهداشت در شهرهای کوچک می‌باشد. اگر دولت چندین هزار میلیارد دلار برای انتقال تهران می‌خواهد هزینه کند، در بودجه ریزی این مبلغ را به ایجاد شرایط و توزیع عدالت در همه شهرهای کشور تخصیص دهد. در این صورت بدون اینکه نیاز به تغییر پایتخت باشد، ساماندهی اقتصادی و اجتماعی و تعادل بخشی کشور تحقق پیدا می‌کند. قطعاً ایجاد مرکزیت جدید بدون این امر خود معضلی به معضلات موجود اضافه خواهد کرد.

۴-۴- مدل‌سازی معادلات ساختاری ساماندهی تهران

این پژوهش دارای ۱۹ متغیر مشاهده‌پذیر است که در مجموع سه مفهوم انتقال پایتخت، انتقال برخی از کارکردهای پایتخت و مدیریت یکپارچه شهری جهت تعدیل وضعیت اقتصادی و اجتماعی موجود شهر تهران مورد بررسی قرار گرفته است (نمودار شماره ۳).

نمودار شماره ۳: مؤلفه‌های مدل مفهومی معادله ساختاری ساماندهی تهران



برای انجام این آزمون از نرم افزار لیزرل استفاده شده است. به این مفهوم که، بعد از راه‌کارهای مختلف ساماندهی شهر تهران و نقاط قوت و ضعف هر یک از راه‌کارهای پیشنهادی با استناد به نتایج ضرایب تحلیل همبستگی، عمده‌ترین متغیرهایی که می‌توانستند برای الگوسازی لیزرل مفید واقع شوند در مجموع سه متغیر مکنون درونی تحت عناوین عوامل انتقال پایتخت، انتقال برخی از کارکردهای پایتخت و مدیریت یکپارچه اقتصادی-اجتماعی شرایط موجود تحت تأثیر یک متغیر مکنون بیرونی با عنوان ساماندهی شهر تهران

مشخص شدند که مطابق با اطلاعات جدول شماره ۲، معیارهای شاخص نیکویی برازش برابر ۰/۹۶ بوده است که چون کمتر از یک بوده است، مدل مربوط از برازش خوبی برخوردار است.

جدول (۲): شاخص‌های برازش برای مدل ساختاری ساماندهی شهر تهران

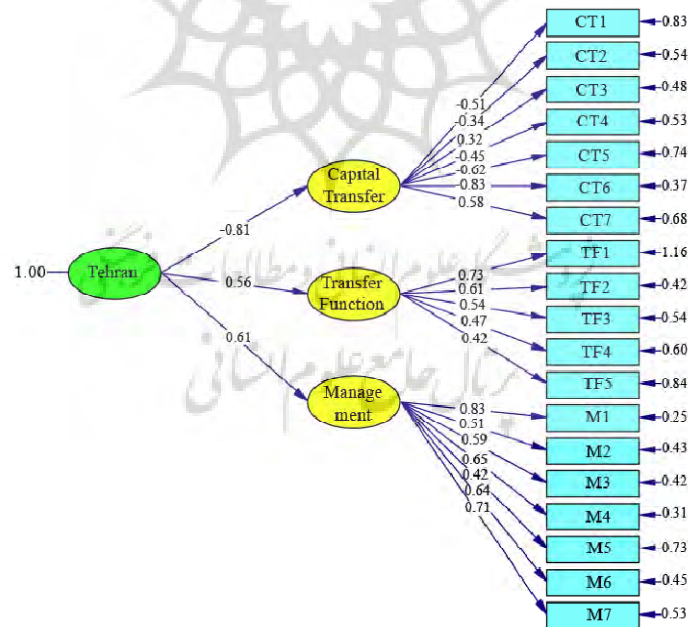
شاخص‌ها	نام شاخص	مدل اصلاح شده	برازش قابل قبول
برازش مطلق	سطح تحت پوشش کای اسکور	۰/۰۹	بزرگتر از ۰/۰۵ درصد
	نیکویی برازش	۰/۹۶	$GFI > ۹۰$
	نیکویی برازش اصلاح شده	۰/۹۱	$AGFI > ۹۰$
برازش تطبیقی	برازش نرمال نشده	۰/۸۹	$NNFI > ۹۰$
	برازش نرمال شده	۰/۸۶	$NFI > ۹۰$
	برازش تطبیقی	۰/۸۱	$GFI > ۹۰$
	برازش افزایش	۰/۸۴	$IFI > ۹۰$
برازش تقلیل یافته	شاخص برازش نرمال تقلیل یافته	۰/۷۳	بالاتر از ۵۰ درصد
	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	۰/۰۶۳	RMSEA کمتر از ۱۰ درصد
	کای اسکور نرمال شده به درجه آزادی	۲/۰۸	۱ تا ۳

منبع: محاسبات نگارندگان

بر اساس برآورد ضرایب استاندارد شده مدل ساختاری تحقیق و سطح معناداری (۰/۰۰۳۸) = به دست آمده در نمودار شماره ۴، تأثیرات انتقال پایتخت بر روی ساماندهی شهر تهران با ضریب معکوس و منفی ۰/۸۱-، انتقال برخی از کارکردهای پایتخت به استان‌های دیگر با ضریب مستقیم و مثبت ۰/۵۶ و مدیریت یکپارچه شهر تهران جهت ساماندهی وضعیت اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، محیطی و ... با ضریب مثبت ۰/۶۱ است که نشان می‌دهد اولاً باید در برنامه‌ریزی‌های شهر تهران یک ساماندهی منظم در چارچوب مدیریت یکپارچه شهری صورت گیرد و ثانیاً جهت تمرکززدایی مطلوب برخی از کارکردها چون کارکردهای علمی - دانشگاهی (برگزاری همایش‌ها، مراکز آموزشی و ...)، کارکردهای اداری به استان‌های دیگر انتقال پیدا کنند. می‌توان چنین نتیجه گرفت که انتقال کامل پایتخت منجر به انتقال مسائل و مشکلات به استان‌های دیگر خواهد شد و پیامدهای مثبتی نه برای تهران و نه برای سایر استان‌ها به دنبال نخواهد داشت. همچنین انتقال پایتخت سیاسی نیز از منظر مبانی سازماندهی در ایران از نظر

ایجاد مطلوبیت مورد تردید بوده و نمی توان این تقسیم بندی را فارغ از توجه به تمامی جنبه های سازمانی و نوع حکومت، منابع قدرت و قابلیت تأمین کنندگی انجام داد. و به جای صرف نیرو، انرژی و زمان برای انتقال پایتخت سیاسی، زیرساخت های لازم برای توانمندسازی تمامی نقاط کشور فراهم آید و همراه با حفظ اقتدار مرکزی، شبکه های شبیه سازی شده در تمام نقاط کشور به منظور تسهیل فرایندهای اجرایی ایجاد شود. در این ارتباط جابجایی کارکردهای علمی- دانشگاهی به استان های دیگر می تواند راهگشا باشد. در مرحله بعد با بدست آوردن مدل اندازه گیری با استفاده از ضرایب γ و β و استفاده از آزمون T به منظور شناخت هرچه بهتر روابط علی و نحوه تأثیرگذاری انتقال پایتخت، انتقال کارکردها و همچنین مدیریت یکپارچه بدون انتقال پایتخت از مدل سازی معادلات ساختاری استفاده گردید. نمودارهای شماره ۴ و ۵ نتایج و یافته های حاصل از تحلیل در مدل ساختاری مربوط به فرضیه های پژوهش را نشان می دهند.

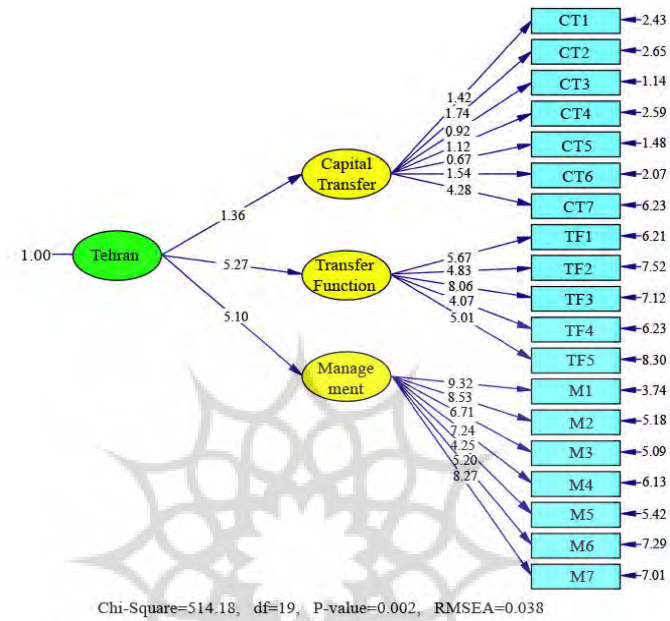
نمودار شماره ۴: خروجی نرم افزار از تخمین غیراستاندارد تحلیل مسیر



Chi-Square=514.18, df=19, P-value=0.002, RMSEA=0.038

بر اساس نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری انتقال پایتخت به مکان دیگری بر اساس مؤلفه‌های مورد بررسی در این تحقیق، به هیچ وجه نتایج و پیامدهای مثبت به دنبال نخواهد داشت. نتایج نشان می‌دهند در صورت انتقال پایتخت تمرکز اقتصادی در مکان جدید صورت خواهد گرفت (۰/۵۱-). تمرکززدایی سیاسی به محقق نخواهد شد چرا که به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی تهران تفکیک نقش‌پذیری سیاسی به شدت بحران‌زا است (۰/۳۴-). رشد جمعیتی تشدیدتر خواهد شد به لحاظ اینکه تمام امکانات در تهران متمرکز شده است (۰/۳۲-). بحران‌های زیست محیطی در مکان جدید (توسعه در اراضی مرغوب کشاورزی، آلودگی منابع آب، خاک و هوا) شدت پیدا خواهد کرد (۰/۴۵-). مسائل ترافیکی تا حدودی بهبود پیدا می‌کنند اما بعد از یک روند کاهشی، دوباره شدت پیدا خواهد کرد (۰/۶۲-). شاخص‌های کیفیت زندگی بهبود پیدا نخواهند کرد (۰/۸۳-) و نهایتاً اگر انتقال پایتخت با برنامه‌ریزی مطلوب تحقق پیدا کند و طی آن مؤلفه‌های فوق بهبود یابند، یک تمرکززدایی از تهران صورت می‌گیرد که می‌تواند خطر بحران‌های محیطی را در آینده کاهش دهد (۰/۵۸). با این حال، نتایج بررسی مؤلفه‌های انتقال پایتخت نشان می‌دهد هیچ رابطه‌ای بین انتقال پایتخت و ساماندهی شهر تهران وجود ندارد. در واقع با انتقال پایتخت از تهران به شهر دیگری، مشکلات را به یک مکان جدید منتقل می‌کنیم.

نمودار شماره ۵: خروجی نرم افزار از اعداد معنی داری در تحلیل مسیر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 برتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۳: نتایج مدل ساختاری ساماندهی تهران

اثرات غیرمستقیم	اثرات مستقیم	مؤلفه‌ها	
۰/۴۰	۰/۷۳	کارکردهای علمی و دانشگاهی	انتقال
۰/۳۴	۰/۶۱	انتقال کارکردهای اداری - سیاسی	کارکردهای پایتخت به
۰/۳۰	۰/۵۴	انتقال سرمایه و جذب سرمایه جدید	شهرهای دیگر
۰/۲۶	۰/۴۷	نیاز به هزینه‌های کمتر برای ایجاد زیرساخت	کشور
۰/۲۳	۰/۴۲	وجود مسیرهای ارتباطی لازم	
۰/۵۰	۰/۸۳	کنترل شدید مهاجرت‌ها	مدیریت
۰/۳۱	۰/۵۱	افزایش هزینه‌های وسایل نقلیه شخصی	یکپارچه شهری
۰/۳۵	۰/۵۹	بهبود حمل و نقل عمومی	و ساماندهی
۰/۳۹	۰/۶۵	ایجاد اشتغال در سایر شهرها	پایتخت بدون
۰/۲۵	۰/۴۲	آمایش مجدد سرزمینی	انتقال پایتخت
۰/۳۹	۰/۶۴	تعیین نقش کارکردی به هر منطقه	
۰/۴۳	۰/۷۱	کنترل ساخت و سازهای ارگان‌های دولتی	

منبع: محاسبات نگارندگان

نتایج مدل ساختاری انتقال برخی از کارکردهای پایتخت به شهرهای دیگر نشان می‌دهد انتقال کارکردهای علمی و دانشگاهی (مراکز آموزشی، مراکز برگزاری رویدادها و کنفرانس‌ها و ...) تأثیرات مستقیم (۰/۷۳) و غیرمستقیم (۰/۴۰) زیادی بر روی ساماندهی شهر تهران دارد. به‌گونه‌ای که انتقال این کارکردها از یک طرف باعث کاهش تمرکز جمعیتی، ترافیکی، تمرکز سرمایه و ... در تهران می‌شود و از طرف دیگر با صرف هزینه‌های مقرون به صرفه‌تری در زمینه ایجاد زیرساخت‌های لازم برای انتقال این کارکردها به شهرهای دیگر زمینه افزایش جاذبه‌های آنها و روند توسعه‌یافتگی آنها را فراهم می‌کنیم. می‌توان گفت انتقال برخی کارکردهای پایتخت رابطه نزدیکی با ساماندهی شهر تهران دارد به‌گونه‌ای که همزمان با انتقال کارکردها باید برنامه‌ریزی‌های دقیقی بر روی کنترل شدید مهاجرت‌ها به تهران، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل وسایل نقلیه شهری، بهبود حمل‌ونقل عمومی و کنترل ساخت و سازهای ارگان‌های دولتی صورت گیرد تا تأثیر انتقال برخی از کارکردها پایتخت را بی‌اثر نکند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

استان تهران بویژه کلانشهر تهران به‌خاطر موقعیت سیاسی و وجود زیرساخت‌های لازم، بسیاری از فعالیتهای صنعتی و خدماتی در آن متمرکز شده است از این‌رو، وجود تمرکز بالای اقتصادی، سبب ایجاد فرصت‌های شغلی زیاد می‌شود که به‌نوبه خود موجب افزایش مهاجرت می‌گردد. یکی از مهمترین دلایلی که منجر به افزایش مسائل و مشکلات زیست محیطی (آلودگی هوا، آلودگی صوتی، آلودگی منابع آب، خطر زلزله)، اجتماعی (تراکم جمعیت، ترافیک، بیکاری، پایین بودن کیفیت زندگی، بزهکاری و ...) شده، روند رو به افزایش مهاجرت‌ها است که باعث به‌وجود آمدن مباحث جابه‌جایی پایتخت شده است. این پژوهش به بررسی پیامدهای اقتصادی- اجتماعی جابه‌جایی پایتخت، انتقال برخی از کارکردهای پایتخت و مدیریت یکپارچه وضعیت موجود پایتخت می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی تهران، انتقال پایتخت منطقی‌ترین راهکار به‌نظر نمی‌رسد. هر چند بسیاری از متخصصان معتقدند تهران خودش مشکلات زیادی دارد و اگر پایتخت باقی بماند، مشکلات دیگری هم بر آن اضافه می‌شود. اما اگر به‌جای انتقال کامل پایتخت، اگر برخی از کارکردهای آن به شهرهای دیگر منقل شود، قطعاً برخی از جاذبه‌های آن کمتر خواهد شد و افراد کمتری به تهران مراجعه می‌کنند. ولی تا زمانی که جاذبه‌های شغلی و رفاهی و موارد دیگری از این دست وجود داشته باشد، مردم به تهران مهاجرت می‌کنند. باید سعی شود، شهرهای دیگر هم دارای جاذبه‌هایی شوند تا جمعیت را به‌سمت خود بکشند. برای این کار لازم است قطب‌های صنعتی و مراکز علمی و دانشگاهی را به شهرهای دیگر منتقل کنیم. در غیر این صورت، بسیاری از مناطق اطراف شهر تهران در آینده نزدیک جزء مناطق شهری آن محسوب خواهند شد. در برخی از نقاط شهری همانند جنوب کمربندی آزادگان سکونتگاه غیررسمی در حال افزایش است و بعدها قطعاً جزء شهر تهران خواهد شد و خود را به بافت تهران تحمیل خواهد کرد و دولت مجبور به ارائه خدمات شهری به آنها می‌شود که در این صورت مشکلات پایتخت چندین برابر خواهد شد. بررسی مسائل و مشکلات شهری تهران نشان می‌دهد که تنها راهکار حل مسائل و مشکلات، انتقال برخی از کارکردهای اقتصادی و اجتماعی و علمی به شهرهای دیگر کشور و ساماندهی و مدیریت مطلوب شهر تهران است. در این راستا،

جلوگیری از مهاجرت به تهران راه حل اساسی مشکلات پایتخت است. برای حل مشکلاتی چون آلودگی هوا نباید پایتخت را انتقال داد، زیرا آلودگی هوای تهران با ارتقای استانداردهای زیست محیطی قابل حل است و گزینه‌های مدنظر برای انتقال پایتخت از جمله اصفهان و سایر شهرها اصلاً کارساز نیست چرا که وضعیت آلودگی هوای اصفهان، مشهد و اراک نیز همانند تهران نگران کننده است. یافته‌های تحقیق بر اساس مدل ساختاری نشان می‌دهد انتقال پایتخت تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر روی ساماندهی پایتخت ندارد در صورتی که انتقال برخی از کارکردهای پایتخت به‌همراه مدیریت یکپارچه شهری اصولی‌ترین راهکار ساماندهی پایتخت است. در این راستا انتقال برخی صنایع و سازمان‌ها مانند خودروسازی، لوازم خانگی سازی، قطب برق و الکترونیک، شعب مرکزی بانک‌ها، قطب دانشگاهی به استانی دیگر می‌تواند این تورم متراکم مخرب تهران که هم به ضرر تهران است و هم به ضرر کشور، در کل کشور توزیع کند تا هم به ساماندهی شهر تهران کمک کند و هم منجر به توسعه‌یافتگی شهرها و استان‌های دیگر کشور گردد. در این راستا پیامدهای اقتصادی و اجتماعی انتقال پایتخت با توجه به نتایج تحقیق شامل موارد زیر است:

- تنها با بحث جابجایی پایتخت و پیشنهاد شدن شهرهایی به‌عنوان گزینه‌های پایتخت جدید در برخی از این شهرها وضعیت قیمت زمین و مسکن به‌شدت تحت تأثیر قرار گرفته است. این موضوع بیانگر این است که در صورت انتقال پایتخت به احتمال زیاد، این شهرها خیلی زود به بسیاری از مشکلات تهران دچار خواهند شد.

- انتقال پایتخت با هدف تمرکززدایی مطرح شده است، ولی در عمل تحت هیچ شرایطی تمرکززدایی با انتقال کامل پایتخت به یک مکان دیگر محقق نخواهد شد.

- انتقال پایتخت بار مالی زیادی دارد و منجر به ایجاد وقفه در توسعه نامطلوب استان‌های دیگر خواهد شد. بنابراین بحث انتقال پایتخت با توجه به وضعیت فعلی و وجود مشکلاتی که کشور در تنظیم بودجه دارد، قابل توجیه نیست.

- تجربیات جهانی نشان می‌دهد انتقال پایتخت باعث کشیدن بحران‌های کلان شهرها به مناطق دیگر و یا شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی و محیطی جدید خواهد شد. برازیلیا مانند سایر شهرهای برزیل دچار شکاف طبقاتی شد و شهر آستانه در قزاقستان با سرمای شدیدی در فصول سرد سال مواجه

است.

- به جای انتقال پایتخت، باید اماکن دولتی در یک منطقه تجمیع گردند و حمل و نقل عمومی ساماندهی گردد، مهاجرت‌ها کنترل شوند، هزینه‌های وسایل نقلیه شخصی افزایش یابند، ساخت و سازهای سازمان‌های دولتی کنترل شوند، شاخص‌های کیفیت زندگی بهبود یابند.

- و نکته آخر اینکه در کنار این ساماندهی‌ها در شهر تهران، باید با انتقال برخی از کارکردها از تهران و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مورد نیاز برای این کارکردها، جاذبه‌های اقتصادی و اجتماعی را در آن شهرها افزایش دهیم تا از یک‌سو زمینه اشتغال در این شهرها فراهم گردد و شاخص‌های کیفیت زندگی بهبود یابد.

۶- قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از کارشناسان و متخصصین اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، دانشگاهها و ادارات دولتی که با همکاری و نظرات ارزشمندشان موجبات انجام و غنای این پژوهش را فراهم آوردند، قدردانی نمایند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

1. Aghapour, Seyed Mehdi (2013), Cultural Crisis in the northern and southern regions in capital "recency Cultural in Tehran, injuries and Possible Consequences" Special notes on the base of international news cooperation Shi'a, conversation page [in Persian].
2. Ahmadi, Reza; Sajad Monfared; Zabiollah Torabi and Saeid Amanpour (2013), Analysis of formation process city prime in level of Khuzestan province in during the years 1956-2011, Journal of Social and Economic History, Vo.2, No.1[in Persian].
3. Ahmadi-pour, Zahra and Valigholizade, Ali (2007), Explanation of Factors influencing in the location of capitals in Iran, Geopolitics Quarterly, vol.3, No.3[in Persian].
4. Asiyabi, Mohamad (2008), Difficulties and Bottlenecks Available at metropolises, Eighth International Conference on Civil Engineering, Shiraz University [in Persian].
5. Bairoch, Paul (1988), Cities and Economic Development: From the Down of History to the Present, University of Chicago Press, Chicago.
6. Centre for Social and Cultural Studies Tehran city (2014), Analysis of 22 urban regions of Tehran City, Deputy of Social and cultural Tehran Municipality [in Persian].
7. Consulting Engineers Sharestan (1989), a preliminary study on transfer administrative-political center of country [in Persian].
8. Ebrahimzade, Eysa; Mirnajaf Mouasvi and Shamsolah Kazemizad (2012), spatial analysis of regional disparities between border and central regions of Iran, Geopolitics Quarterly, Vol.8, No.1 [in Persian].
9. Farahmand, Shokofe; Seyedkomil Tayebi and Nematolah Akbari (2009), impact of Urban Prime On economic growth in the country, Economic Research, No. 87 [in Persian].
10. Forrester, J.W (1961), Industrial Dynamics, Productivity Press, Cambridge, Mass.
11. Ghamami, Majid (1999), a look at performance of the new towns in the Tehran Urban Collection, Journal of Abadi, Vol. VIII, No. 29, 30 and 31 [in Persian].
12. Gilliland, Anthony (2013), Choosing the Federal Capital: a Comparative Study of the United States, Canada and Australia, Institute's studies Autonomics, ISBN 9788439390633.

13. Hekmatnia, Hassan & Mousavi, Mirnajaf (2013), Model Application in Geography With Emphasis on Urban and Regional Planning, Press Elm nowin, Yazd [in Persian].
14. Inalou, Ali (2012), Evaluate the hierarchical system of Qazvin province cities, Journal of geography growth teaching, Period of twenty-fifth, No. 4 [in Persian].
15. Karami, Tajodin (2011), spatial disparities in the Process spread physical aspects of urban (Case Study: Tehran City), PhD Thesis in Geography and Urban Planning, Faculty of Geographical Sciences, Tarbiat Moallem University of Tehran [in Persian].
16. Keramatolah Ziyari and Mirnajaf Mousavi (2005), Reviews of Urban hierarchy in West Azerbaijan Province, Journal Research Isfahan University, Volume eighteenth, Number 1 [in Persian].
17. Ministry of Industry, Mine and Trade in Tehran (2011), Commercial preparation Tehran province, Ministry of Industry, Mine and Trade, Deputy of Internal Business Development, Commercial preparation committee secretariat [in Persian].
18. Mousavi, Mirnajaf (2003), measure the degree of development of Iran, MA thesis in Geography and Urban Planning, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Yazd [in Persian].
19. Nastaran, Mahin; Farahnaz Abolhasani and Malihe Eyzadi (2010), Analysis of the urban hierarchy in cities over one hundred thousand in the country, Journal of Environmental Planning Geographical, No. 11 [in Persian].
20. Nazarian, Asghar (2009), dynamics of Iran's urban systems, Press Mobtakeran, Tehran [in Persian].
21. Nazmfar, Hossein and Sara Khodaei (2012), Balanced urban system and its role in the balanced development of regions (case study: Ardebil Province), Second Conference on economic development strategies with a focus regional planning, Islamic Azad University of Sanandaj [in Persian].
22. Nobari, Nazok and Mohamad Rahimi (2009), Analysis of subject transfer the political capital to take advantage of organizational principles, Study Centre and Planning Tehran city, Department of research Urban Governance and Management [in Persian].
23. Palizban, Siyavash; Majid Shams and Rahim Sarvar (2013), Review of economic and social transformations, capitalist counterproductive trajectories Iran and its impact on informal settlements in Tehran province, Journal of Regional Planning, Volume 3, No. 9 [in Persian].
24. Rahnemaei, Mohamadtaghi and Siyedmousa Pourmousavi (2006), Evaluation of security instability metropolis of Tehran based on indicators of sustainable urban development, Geographical Research, No. 57 [in Persian].

25. Rawat, Rajiv (2005), Capital City Relocation: Global Perspectives in the Search for an Alternative Modernity, Department of Geography, York University, Toronto, Canada.
26. Razaghi, Habibolah; Keramatolah Ziyari and Navid Saeidi Rezvani (2011), Model of multi-core and multi-core of city and metropolitan, from theory to practice (case study: Karaj), Geographical Research Quarterly, Vol.26, No. 3[in Persian].
27. Rezaei, Rahim (2007), Determine the spheres of influence of Tehran with Method of Time series, National Population Studies & Comprehensive Management Institute, Ministry of Science, Research & Technology [in Persian].
28. Rezaei, Rahim and Ahmad Pourahmad (2009), role Concentration economic activity In increasing population of metropolitan Tehran, New approaches in human geography, Vol.1, No. 3 [in Persian].
29. Saraei, Mohamadhosin and mohamad Esmaeilpour (2012), Assessment Mutual action Areas of urban influence in the urban network East Azerbaijan Province (using gravity model and method Flow analysis), Geographical Research Quarterly, Vol. 27, No. 2 [in Persian].
30. Sharbatoghli, Ahmad and Heidar Javanmard (2011), an exploration in the relationship between urban Prime and economic development an empirical study of between countries, Journal of Geography and Planning, Vol.17, No46[in Persian].
31. Taghvaei, Masoud and Mousavi, Mirnajaf (2011), A Criticism of Urban Primacy Determination Indices and Offering a New Index, Journal of Geography and Environmental Planning, No, 1 [in Persian].
32. Zakerian, Malihe; Mirnajaf Mousavi and Ali Bagheri Kashkooli (2010), Analysis of the Dispersion Population and distribution services in urban neighborhoods maybod from the perspective of sustainable development, Journal of Research and urban planning, Vol. I, No. 2 [in Persian].
33. Zavari, Seyed Ablolmajid (2014), Tehran and dream thirty years old An overview of the different views capital Transmission, Journal of Think Tank International Relations, No. 42 [in Persian].
34. Zebardast, Esfandiyar and Hajepour, Khalil (2009), Explanation Process of formation, evolution and transformation Metropolitan areas, Research in Human Geography, No. 69 [in Persian].